

رابطه هوش اخلاقی و هوش معنوی با تعهد زناشویی زنان: نقش واسطه‌ای صمیمیت زناشویی

The Relationship Between Moral Intelligence and Spiritual Intelligence with Marital Commitment in Women: The Mediating Role of Marital Intimacy

Dr. Salman Zarei

Assistant Professor, Lorestan University, Lorestan, Iran.

salman_zarei@yahoo.com

دکتر سلمان زارعی

استادیار مشاوره، دانشگاه لرستان، لرستان، ایران.

Abstract

Given the importance of marital commitment in the health and stability of the family system, it is important to identify the factors affecting it. Therefore, the aim of the present study was to investigate the mediating role of marital intimacy in the relationship between moral intelligence and spiritual intelligence with marital commitment. The research method was descriptive- correlational. The statistical population was married women referred to Cultural Center in Tehran in 1398. A total of 338 persons were selected by convenience sampling. Data were collected using Marital Commitment Questionnaire (MCQ), Moral Competency Inventory (MCI), Spiritual Intelligence Self- Report Inventory (SISI), and Marital Intimacy Scale (MIS). Structural equation modeling was conducted for analyze. The results showed that the direct effect of moral intelligence $P < 0.01$ and spiritual intelligence on marital intimacy ($P < 0.01$) were significantly positive. Finally, the results showed that marital intimacy has mediation role in the relationship between moral intelligence and marital commitment ($P < 0.05$) and between spiritual intelligence and marital commitment ($P < 0.05$). Overall, the present study emphasizes the mediating role of marital intimacy. So, along with boosting moral intelligence and spiritual intelligence, it can enhance marital commitment by helping to promote marital intimacy.

Keywords: Moral Intelligence, Spiritual Intelligence, Marital Intimacy, Marital Commitment

چکیده

با توجه به اهمیت تعهد زناشویی در سلامت و پایداری نظام خانواده، شناسایی عوامل موثر بر آن مهم است. از این رو، هدف پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه‌ای صمیمیت زناشویی در رابطه هوش اخلاقی و هوش معنوی با تعهد زناشویی بود. روش پژوهش توصیفی- همبستگی بود. جامعه آماری زنان متأهل مراجعه‌کننده به فرهنگسرای خاوران شهر تهران در سال ۱۳۹۸ بود که تعداد ۳۳۸ نفر با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه تعهد زناشویی (آدامز و جونز، ۱۹۹۷)، سیاهه شایستگی اخلاقی (لنیک و کیل، ۲۰۰۵)، سیاهه هوش معنوی (کینگ، ۲۰۰۸) و مقیاس صمیمیت زناشویی (والکر و تامپسون، ۱۹۸۳) گردآوری و با روش مدل‌سازی معادلات ساختاری تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که اثر مستقیم هوش اخلاقی بر صمیمیت زناشویی ($P < 0.01$) و هوش معنوی بر صمیمیت زناشویی ($P < 0.01$) به طور مثبت معنادار است. در نهایت، نتایج نشان داد که صمیمیت زناشویی در رابطه بین هوش اخلاقی و تعهد زناشویی ($P < 0.05$) و در رابطه بین هوش معنوی و تعهد زناشویی ($P < 0.05$) نقش واسطه‌ای دارد. در مجموع، مطالعه حاضر بر نقش واسطه‌ای صمیمیت زناشویی تاکید دارد. بنابراین، در کنار تقویت هوش اخلاقی و هوش معنوی با کمک به ارتقای صمیمیت زناشویی می‌توان میزان تعهد زناشویی را ارتقا داد.

واژه‌های کلیدی: هوش اخلاقی، هوش معنوی، صمیمیت زناشویی، تعهد زناشویی.

ویرایش نهایی: شهریور ۹۹

پذیرش: اردیبهشت ۹۹

دریافت: فروردین ۹۹

نوع مقاله: پژوهشی

مقدمه

در میان ارتباطات متنوع انسانی، تعهد، جاذبه و تفاهم مهمترین جنبه‌های کیفی یک رابطه هستند (جان، سم، رورو و تسوی، ۲۰۱۷). در این بین، تعهد زناشویی^۱ به عنوان یک سازوکار دوام‌بخش دارای اهمیت بسزایی است و به عنوان نیرومندترین و پایدارترین عامل پیش‌بینی کننده کیفیت و پایداری زناشویی به شمار می‌رود (ماچر^۲، ۲۰۱۳). مفهوم تعهد زناشویی، اخیراً در همه حوزه‌های مطالعاتی خانواده و ازدواج، توجه زیادی را به خود جلب کرده است و به تمایل فرد برای حفظ ازدواج و وفادار بودن به همسر، خانواده و ارزش‌ها

¹ John, Seme, Roro & Tsui

² Marital commitment

³ Macher

اشاره دارد (ارنبرگ، روبرتسون و پرینگل^۱، ۲۰۱۲). تعهد ابعاد گوناگونی دارد و شامل دلایل فردی، اخلاقی و اعتقادی خاصی است که فرد را به ادامه رابطه زناشویی متعهد می‌کند (تانگ و کیوران^۲، ۲۰۱۳). مطابق مدل آدامز و جونز^۳ (۱۹۹۷) تعهد زناشویی مشتمل بر سه بعد تعهد شخصی (به معنای گرایش فرد برای ماندن در رابطه)، تعهد اخلاقی (به معنی اعتقاد به ازدواج در جایگاه یک نهاد اجتماعی و اخلاقی و حفظ آن به عنوان یک تکلیف ارزشمند) و تعهد ساختاری (به معنای ادامه اجباری به ازدواج بخاطر شرایط فرزندان و امور مالی) است. مطالعات نشان می‌دهد سطوح بالایی تعهد زناشویی با ابراز عشق بیشتر، ثبات زناشویی بالاتر، احتمال خیانت پایین و کیفیت بالای روابط زناشویی مرتبط است (لاونر، کارنی و بردبوری^۴، ۲۰۱۶). همچنین، مسترز^۵ (۲۰۰۸) در مدل ازدواج پایدار و موفق که اساس پژوهش حاضر است مطرح می‌کند که میزان صمیمیت بین همسران، مسائل و موضوعات معنوی، مهارت‌های حل تعارض، ارتباط عاطفی، باورها و ارزش‌های اخلاقی از عناصر موجود در ازدواج‌های موفق هستند که نبود هر یک از این عوامل در رابطه باعث کاهش تعهد و پایداری روابط زناشویی و گرایش زوجین به جدایی می‌شود.

در این بین بر اساس مدل ازدواج پایدار مسترز (۲۰۰۸) و مبانی پژوهشی مطرح شده یکی از متغیرهای که می‌تواند در ارتقای تعهد زناشویی نقش داشته باشد هوش اخلاقی است (کاتو^۶، ۲۰۱۶). هوش اخلاقی به معنی ظرفیت و توانایی درک درست اخلاق، داشتن اصول اخلاقی قوی (از جمله خودکنترلی، توجه، احترام، مهربانی، انصاف و صبر) و عمل به آنها و نیز رفتار در جهت درست است (پراون^۷، ۲۰۱۳). در واقع هوش اخلاقی ظرفیت ذهن افراد جهت تعیین این نکته مهم است که چگونه باید از اصول جهان شمول بشری در ارزش‌ها، اهداف و فعالیت‌های خودمان در زندگی استفاده کرد (لنیک و کیل^۸، ۲۰۱۱). در الگوی لنیک و کیل (۲۰۰۵) چهار بعد هوش اخلاقی شامل درستکاری، مسئولیت، دلسوزی و بخشش برای موفقیت در عرصه‌های مختلف زندگی ضروری قلمداد شده‌اند. در همین راستا، مطالعات مختلف نشان می‌دهند که هوش اخلاقی و ابعاد آن نقش شایانی در سلامت روابط دارد و باعث افزایش تعهد، پایداری و ثبات رابطه‌های زناشویی زوج‌ها می‌شود (گل‌محمدیان، ۱۳۹۵؛ لامبرت و دولاهیت^۹، ۲۰۰۸). در کنار موارد مطرح شده، خانیکی و تبریزی (۱۳۸۹) نشان دادند که نگرش اخلاقی در روند زندگی موجب تسهیل و بهبود روابط زناشویی می‌شود. همچنین، گوردون^{۱۰} و همکاران (۲۰۰۹) نشان دادند که بخشش به عنوان یکی از مولفه‌های هوش اخلاقی به بهبود روابط، ابراز مناسب خشم در روابط زناشویی، التیام زخم‌های عاطفی و پیشگیری از خیانت زناشویی کمک می‌کند. علاوه بر این، در مطالعه هوک، داویس و گریفین^{۱۱} (۲۰۱۵) مشخص شد که بین کیفیت روابط زناشویی با هوش اخلاقی زوجین ارتباط مثبت وجود دارد. در مجموع، مفهوم‌سازی نخست این پژوهش به این صورت است که اگر زوجین به جایگاه اخلاق و هوش اخلاقی در سلامت زندگی زناشویی خود توجه داشته باشند احتمال بالایی وجود دارد که رابطه زناشویی بین آنها تعهد و استحکام بیشتری داشته باشد (فینچام، بیچ و داویلا^{۱۲}، ۲۰۰۷). بر این اساس، وارد کردن هوش اخلاقی به عنوان یکی از پیشایندهای اثر گذار بر تعهد زناشویی مهم است.

دیگر متغیری که بر اساس مدل ازدواج پایدار مسترز (۲۰۰۸) و مبانی پژوهشی مطرح می‌تواند در ارتقای تعهد زناشویی نقش داشته باشد هوش معنوی است (لیچر و کارمال^{۱۳}، ۲۰۰۹). هوش معنوی نشان دهنده مجموعه‌ای از قابلیت‌های معنوی است که بکارگیری آنها در زندگی روزانه می‌تواند موجب افزایش انعطاف‌پذیری و خودآگاهی فرد شود (کینگ^{۱۴}، ۲۰۰۸). همچنین، هوش معنوی باعث می‌شود که فرد با آرامش بیشتری به مشکلات زندگی نگاه کند، برای یافتن راه‌حل تلاش بیشتری داشته باشد، سختی‌های زندگی را بهتر تحمل کند

¹ Ehrenberg, Robertson & Pringle

² Tang & Curran

³ Adams & Jones

⁴ Lavner, Karney & Breadbury

⁵ Masters, A

⁶ Kato

⁷ Brown

⁸ Lennick & Kiel

⁹ Lambert & Dollahite

¹⁰ Gordon

¹¹ Hooch, Davice & Griffin

¹² Fincham, Beach & Davila

¹³ Lichter & Carmalt

¹⁴ King

و به زندگی خود پویایی و حرکت دهد (الکینس^۱، ۲۰۰۴). مطالعه یانکر، اسنابلروخ و دهان^۲ (۲۰۱۲) نشان می‌دهد که هوش معنوی با رضایت از زندگی در ابعاد مختلف آن اعم از زناشویی، اجتماعی و شغلی ارتباط مثبت و بر پیامدهای روانشناختی اثر مطلوبی دارد. در همین راستا، یافته کرایکامپ^۳ (۲۰۰۲) بیان می‌دارد که رابطه بین هوش معنوی با کیفیت زندگی و رضایت زناشویی در افراد متاهل مثبت است و هرچه افراد به ارزش‌های معنوی نگاه بیشتری داشته باشند وفاداری و تعهد آنها در ازدواج بالاتر است. در کنار موارد مطرح شده، بیوردت، الیسون و شرکات^۴ (۲۰۰۷) باورهای معنوی را سدی در برابر خیانت می‌دانند و عنوان می‌کنند معنویت و هوش معنوی در ایجاد رابطه زناشویی مناسب و کسب رضایتمندی زناشویی الزامی است. همچنین، آمرام^۵ (۲۰۰۷) مطرح می‌کند که افراد با هوش معنوی بالا هنگام بروز تعارض در زندگی زناشویی این توانایی را دارند که از راهبردهای مثبت حل تعارض استفاده کنند و از آسیب‌زدن به خود، همسر و در نتیجه رابطه زناشویی جلوگیری کنند. در مجموع، مفهوم‌سازی دوم این پژوهش به این صورت است که هوش معنوی به دلیل بهره‌مندی از مجموعه‌ای منابع و ظرفیت‌ها به افزایش کیفیت زندگی افراد کمک اساسی می‌کند و احتمال بالایی وجود دارد که زوجین در رابطه زناشویی تعهد بالاتری داشته باشد (هیوی، لیندسلی، الیوت^۶، ۲۰۰۷). بر این اساس، وارد کردن هوش معنوی به عنوان یکی از پیشایندهای اثر گذار بر تعهد زناشویی مهم است.

با وجود مطالب مطرح شده در خصوص رابطه هوش معنوی و هوش اخلاقی با تعهد زناشویی قابل ذکر است که همیشه این رابطه به شکل مستقیم نیست و شامل سازوکارهای واسطه‌ای است که به طور مشترک مسئول چنین رابطه‌ای هستند (پلاگ^۷، ۲۰۰۸). در این خصوص مطالعات مطرح می‌کنند که یکی از سازه‌های که می‌تواند منتج از سطح بالای هوش اخلاقی و هوش معنوی همسران باشد صمیمیت است (بیوردت و همکاران، ۲۰۰۷؛ هوک و همکاران، ۲۰۱۵). صمیمیت یکی از نیازهای زندگی زناشویی است که با تصمیم‌گیری مشترک و هم‌آوایی زناشویی در ارتباط است (نازاری، فونسکا، گامریو، کاناوارو و داتیلو^۸، ۲۰۱۱). تانیگوجی، فریمن، تیلور و ملکارن^۹ (۲۰۰۶) عنوان می‌کنند که یکی از جنبه‌های حیاتی سیستم زناشویی، صمیمیتی است که همسران در رابطه خویش احساس و تجربه می‌کنند و اگر عدم احساس برابر و در نتیجه نداشتن صمیمیت در روابط زناشویی شکل گیرد، احتمالاً تمایل فرد به عدم تعهد به ازدواج و در نتیجه رابطه فرازناشویی را افزایش می‌دهد. تنهویتن^{۱۰} (۲۰۰۷) مطرح می‌کند مفاهیم مهمی از قبیل قدردانی، بخشش، مسئولیت‌پذیری، تحمل سختی‌ها و انعطاف‌پذیری که نمودهای هوش اخلاقی و معنوی هستند در صورتی که در روابط بین همسران برجسته شوند، صمیمیت هیجانی، عقلانی و بدنی در پیوند زناشویی تقویت می‌شود و در نتیجه می‌توان انتظار یک رابطه زناشویی پایدار و متعهدانه را داشت. همچنین، هاتفیلد، بنسمن، ثورنتون و رپسون^{۱۱} (۲۰۱۴) عنوان می‌کنند که وجود معنویت و ارزش‌های اخلاقی در زندگی همسران باعث می‌شود که آنها در روابط زناشویی احساس پذیرش، راحتی و صمیمیت بالایی داشته باشند که این احساس به عنوان مانعی برای روابط فرازناشویی عمل خواهد کرد و به حفظ تعهد زناشویی می‌انجامد. در کنار موارد مطرح شده، در مطالعات محمدی، حیدرنیا و عباسی (۱۳۹۵) و سوچم^{۱۲} (۲۰۱۱) مشخص شده است که صمیمیت در ازدواج به عنوان یک ارزش اخلاقی تلقی می‌شود، زیرا تعهد زوجین به ثبات رابطه را تسهیل می‌کند و به طور مثبت با سازگاری زناشویی همراه است. در مجموع، مفهوم‌سازی سوم این پژوهش به این صورت است که صمیمیت زناشویی به عنوان یکی از نتایج وجود معنویت و ارزش‌های اخلاقی، عنصر مهمی در کارکرد بهنجار خانواده است (وارینگ^{۱۳}، ۲۰۱۳)، بنابراین می‌توان احتمال داد که کیفیت و کمیت صمیمیت میان همسران می‌تواند تعیین‌کننده تعهد زناشویی به شمار آید. بر این اساس، وارد کردن صمیمیت زناشویی به عنوان یکی از پیشایندها اثر گذار و همچنین عامل واسطه‌ای مهم در ارتقای تعهد زناشویی مهم است.

¹ Elkins

² Yonker, Schnabelrauch & Dehaan

³ Kraaykamp

⁴ Burdette, Ellison & Sherkat

⁵ Amram

⁶ Hui, Lindsey & Elliott

⁷ Pelage

⁸ Nazare, Fonseca, Gamerio, Canavarro & Dattilio

⁹ Taniguchi, Freeman, Taylor & Malcarne

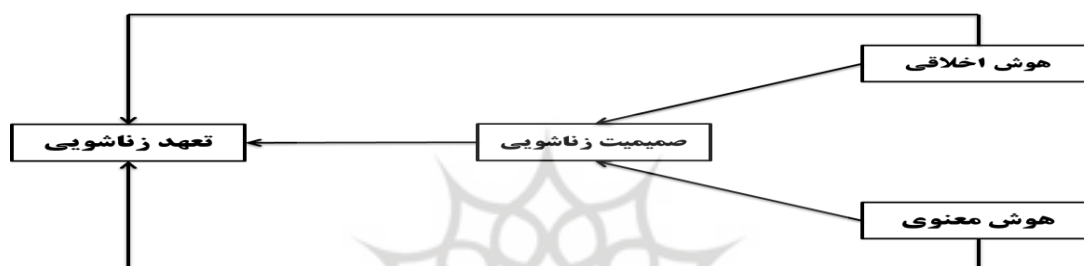
¹⁰ TenHouten

¹¹ Hatfield, Bensman, Thornton & Rapson

¹² Sevgn

¹³ Waring

به رغم اهمیت ارتباط زناشویی شواهد گویایی مشکلات همسران در برقراری و حفظ تعهد زناشویی مثبت و سازنده است. در همین راستا، بررسی آمار طلاق به عنوان معتبرترین شاخص آشفتگی زناشویی نشان می‌دهد که در دو دهه گذشته طلاق در سراسر جهان به دلایل زیادی روند رو به افزایشی داشته و این میزان در ایالات متحده به ۵۱، در سوئد به ۴۸ و در کره جنوبی به ۴۷ درصد رسیده است (چانگ^۱، ۲۰۱۴). در ایران نیز، برآیند آمار رسمی منتشر شده در سه ماهه نخست سال ۱۳۹۸ حدود ۴۰۰۰۰ طلاق در کشور ثبت شده است (ثبت احوال ایران، ۱۳۹۸). در مجموع، بر اساس نتایج مطالعات مطرح شده نبود تعهد مهم‌ترین عامل موثر بر بروز طلاق است. از این رو، با توجه به حجم گسترده‌ی مشکلات همسران و روند نسبتاً افزایشی آمار طلاق، شناسایی عوامل اثرگذار و مرتبط با تعهد زناشویی و تدوین آموزش‌های مبتنی بر این یافته‌ها می‌تواند در پیشگیری از تعارضات زناشویی و غنی‌تر کردن ارتباطات میان همسران، به ویژه تعهد زناشویی کمک نماید. همچنین، از آنجا که تعهد در دین و فرهنگ ما نیز یک ارزش متعالی است و حساسیت زیادی نسبت به آن وجود دارد، در این پژوهش سعی شده است در قالب یک مدل نقش واسطه‌ای صمیمیت در رابطه هوش اخلاقی و هوش معنوی با تعهد زناشویی در زنان به محک آزمون گذاشته شود. این مدل در شکل ۱ ارائه شده است.



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش حاضر

روش

پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی بود که با استفاده از مدلیابی معادلات ساختاری انجام شد. جامعه آماری پژوهش زنان مراجعه‌کننده به فرهنگسرای خاوران شهر تهران در سال ۱۳۹۸ بود. برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری دردسترس استفاده شد. به منظور تعیین حجم نمونه متناسب با مدلیابی معادلات ساختاری براساس دیدگاه کلاین^۲ (۲۰۱۱) باید حداقل ۱۰ و حداکثر ۲۰ برابر تعداد پارامترها انتخاب شود. لذا بر اساس این دیدگاه و با وجود ۳۰ پارامتر در پژوهش حاضر و با بیش برآورد جهت جبران ریزش احتمالی تعداد ۳۵۰ نفر به عنوان نمونه نهایی انتخاب شد. ملاک‌های ورود به پژوهش طول مدت ازدواج حداقل ۵ سال و نداشتن سابقه ازدواج قبلی بود. تنها ملاک خروج از پژوهش داشتن سابقه بیماری جسمانی یا روانشناختی خاص بود. همچنین، ملاحظات اخلاقی اعم از مطلع بودن اخذ رضایت آگاهانه، تضمین حریم خصوصی و رازداری رعایت گردید.

ابزار سنجش

پرسش‌نامه تعهد زناشویی^۳ (MCQ): این آزمون توسط آدامز و جونز (۱۹۹۷) مشتمل بر ۴۴ سوال و سه بعد به منظور اندازه‌گیری میزان پایبندی افراد به همسر و ازدواجشان تهیه و تدوین شده است؛ این ابعاد عبارتند از: تعهد شخصی (۱۹ سوال)، تعهد اخلاقی (۱۳ سوال) و تعهد ساختاری (۱۲ سوال). هر سوال پرسش‌نامه دارای یک مقیاس ۵ درجه‌ای از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم است که به هر گزینه نمره‌ای از ۱ تا ۵ تعلق می‌گیرد. اکثر سوالات پرسش‌نامه به شکل مستقیم نمره‌گذاری می‌شوند و تنها سوالات ۱۱، ۱۲، ۱۶، ۲۳، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۴، ۳۵ و ۳۶ به طور معکوس نمره‌گذاری می‌گردند. دامنه کلی نمرات افراد بین ۱ تا ۱۷۲ است و نمره بالاتر در این آزمون بالا بودن تعهد زناشویی را نشان می‌دهد. آدامز و جونز (۱۹۹۷) در ۶ پژوهش مختلف به منظور برآورد پایایی و روایی پرسش‌نامه، آن را بر روی ۴۱۷ نفر متأهل، ۳۴۷ نفر مجرد و ۴۶ مطلقه اجرا کردند. در این مطالعات همبستگی هر سوال با نمره کل آزمون بالا و معنی‌دار بود و به طور کلی روایی این پرسش‌نامه از بیشترین حمایت تجربی و نظری برخوردار بود. آدامز و جونز (۱۹۹۷) میزان پایایی هر

¹ Chung

² Kline

³ Marital Commitment Questionnaire

یک از ابعاد را بر روی نمونه مذکور برای تعهد شخصی ۰/۹۱، تعهد ساختاری ۰/۸۶ و تعهد اخلاقی ۰/۸۹ گزارش کردند (قنبری هاشم آبادی و همکاران، ۱۳۹۰). این پرسش‌نامه در ایران توسط عباسی (۱۳۸۸) هنجاریابی شده است و با استفاده از تحلیل عاملی تاییدی ساختار سه عاملی آن تایید شده است و پایایی آن با استفاده از روش بازآزمایی برابر با ۰/۸۲ گزارش شده است (نقل از محمدی و همکاران، ۱۳۹۵).

سیاهه شایستگی اخلاقی^۱ (MCI): این پرسش‌نامه توسط لنیک و کیل (۲۰۰۵) مشتمل بر ۴۰ سوال و چهار مولفه به منظور اندازه‌گیری توانایی کاربرد اصول اخلاقی جهانی در اخلاقیات، اهداف و ارتباطات یک فرد تهیه و تدوین شده است. این شایستگی‌ها عبارتند از: درستکاری (سوالات ۱ تا ۱۰)، مسئولیت‌پذیری (سوالات ۱۱ تا ۲۰)، دلسوزی (سوالات ۲۱ تا ۳۰) و بخشش (سوالات ۳۱ تا ۴۰). نمره‌گذاری این پرسش‌نامه بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از هرگز (۱) تا در همه مواقع (۵) است. پاسخ دهندگان نمره‌ای بین ۴۰ تا ۲۰۰ کسب می‌کنند که پس از نمره‌گذاری با تقسیم بر ۲ نمره نهایی هوش اخلاقی بین ۲۰ تا ۱۰۰ خواهد شد و نمره بالاتر نشان دهنده هوش اخلاقی بیشتر است. لنیک و کیل (۲۰۰۵) در مطالعات مختلف روایی و پایایی پرسش‌نامه را در حد مطلوبی گزارش کرده‌اند. این، سیاهه در ایران توسط آراسته و جاهد (۱۳۹۰) در بین دانشجویان هنجاریابی شد که ضمن تایید روایی صوری و محتوایی آن توسط متخصصان، پایایی ابزار با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۷ گزارش شده است.

سیاهه هوش معنوی^۲ (SISRI): این آزمون توسط کینگ (۲۰۰۸) مشتمل بر ۲۴ سوال و چهار بعد به منظور اندازه‌گیری هوش معنوی تهیه و تدوین شده است. این ابعاد عبارتند از: تفکر وجودی انتقادی (۷ سوال)، تولید معنای شخصی (۵ سوال)، آگاهی متعالی (۷ سوال) و بسط حالت هوشیاری (۵ سوال). نمره‌گذاری این پرسش‌نامه بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از کاملاً نادرست (۰) تا کاملاً درست (۴) است. در نهایت فرد نمره‌ای بین ۰ تا ۹۶ به دست می‌آورد که نمره بالاتر نشان دهنده هوش معنوی بیشتر است. لازم به ذکر است که تمام سوالات بجز سوال شماره ۶ به صورت مستقیم نمره‌گذاری می‌شوند. در نسخه انگلیسی این پرسش‌نامه ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۹۲ و برای زیر مقیاس‌های آن به ترتیب برای تفکر وجودی انتقادی ۰/۷۸، تولید معنای شخصی ۰/۷۸، آگاهی متعالی ۰/۸۷ و بسط حالت هوشیاری ۰/۹۱ به دست آمده است (کینگ و دیسیکو، ۲۰۰۹). در ایران نیز حریری و زرین‌آبادی (۱۳۹۰) روایی صوری و محتوایی پرسش‌نامه را بر اساس نظر متخصصان تایید کردند و با اجرای پرسش‌نامه در بین کتابداران دانشگاه‌های اصفهان پایایی پرسش‌نامه و ابعاد آن را در دامنه‌ی ۰/۷۲ تا ۰/۹۱ گزارش کردند که بیانگر پایایی در سطح مطلوبی است.

مقیاس صمیمیت زناشویی^۳ (MIS): این مقیاس توسط والکر و تامپسون^۴ (۱۹۸۳) مشتمل بر ۱۷ سوال برای سنجیدن میزان صمیمیت زوجها تنظیم شده است. نمره‌گذاری این پرسش‌نامه بر اساس طیف لیکرت ۷ درجه‌ای از هرگز (۱) تا همیشه (۷) است. افراد نمره‌ای بین ۱۷ تا ۱۱۹ کسب می‌کنند که نمره بالاتر نشان دهنده‌ی صمیمیت بیشتر افراد در روابط زناشویی است. والکر و تامپسون (۱۹۸۳) ضریب آلفای ۰/۹۱ تا ۰/۹۷ را برای پرسش‌نامه گزارش کرده‌اند که از همسانی درونی خوبی برخوردار است. در پژوهش اعتمادی، نوایی‌نژاد، احمدی و فرزاد (۱۳۸۵) روایی محتوایی و صوری آن توسط ۱۵ نفر از اساتید مشاوره مورد تایید قرار گرفته است و پس از اجرای پرسش‌نامه روی ۱۰۰ زن و شوهر در شهر اصفهان ضریب پایایی کل مقیاس با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۶ گزارش شده است که حاکی از پایایی قابل قبول پرسش‌نامه است. همچنین، سعیدپور، اصغری و صیادی (۱۳۹۷) در مطالعه‌ی برای تعیین پایایی پرسش‌نامه در بین زوجین متقاضی طلاق در شهر رشت از دو روش آلفای کرونباخ و تصنیف استفاده کردند که به ترتیب با گزارش ضرایب ۰/۹۶ و ۰/۹۷ پایایی مطلوب این پرسش‌نامه در سنجش صمیمیت زناشویی نمایان می‌شود.

یافته‌ها

پس از اجرای پرسش‌نامه‌ها تعداد ۱۲ پرسش‌نامه به علت مخدوش بودن از روند پژوهش حذف شد و داده‌های مربوط به ۳۳۸ نفر مورد تحلیل قرار گرفت. بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نشان داد که میانگین سنی شرکت‌کنندگان برابر ۳۸/۵۱ بود که در دامنه سنی ۲۴ تا ۵۸ سال قرار داشتند. همچنین میانگین طول مدت ازدواج شرکت‌کنندگان ۹/۶۲ سال بود. تعداد ۴۲ نفر فرزند نداشتند، تعداد ۱۶۷ نفر

¹ Moral Competency Inventory

² Spiritual Intelligence self-report Inventory

³ Marital Intimacy Scale

⁴ Walker & Tompson

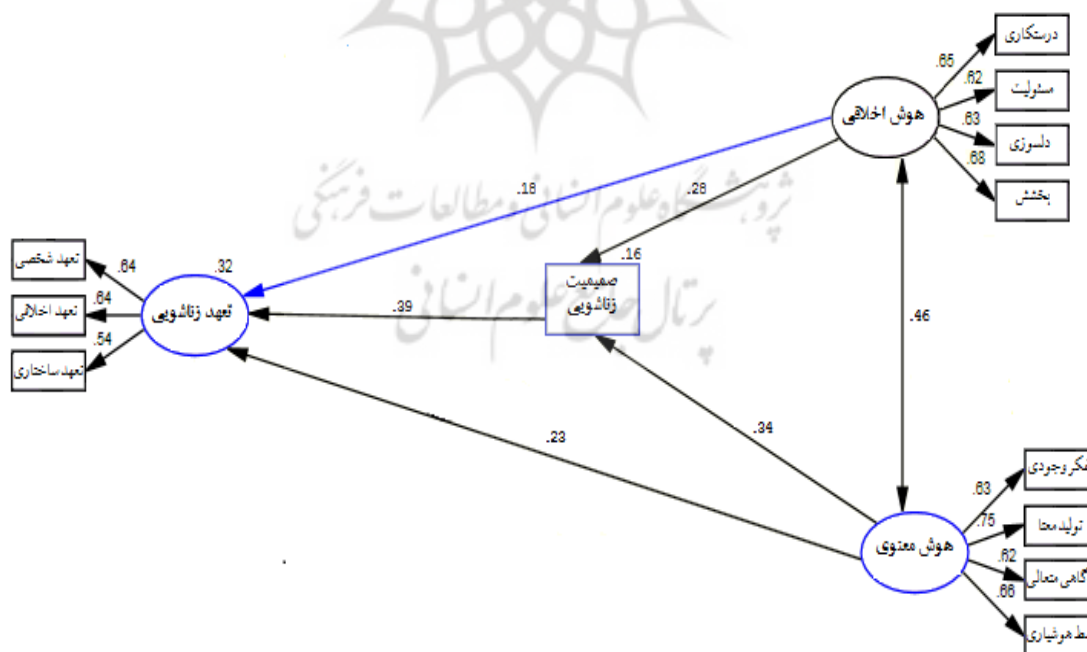
دارای یک فرزند، تعداد ۹۳ دارای ۲ فرزند و تعداد ۳۶ دارای بیش از دو فرزند بودند. در این بین میزان تحصیلات ۳۸ نفر زیردیپلم، ۷۳ نفر فوق دیپلم، ۲۰۲ نفر کارشناسی و ۲۵ نفر نیز بالاتر از کارشناسی بود. در ادامه در جدول ۱ به بررسی شاخص‌های توصیفی و ماتریس همبستگی نمرات آزمودنی‌ها پرداخته می‌شود.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی و ماتریس همبستگی متغیرها

شاخص‌های آماری	ضرایب همبستگی				متغیرها
	(۴)	(۳)	(۲)	(۱)	
شاخص‌های توصیفی					
انحراف استاندارد	میانگین				
۱۲/۰۹	۶۵/۶۸				(۱) هوش اخلاقی
۱۱/۵۹	۶۲/۳۵				(۲) هوش معنوی
۱۳/۵۷	۸۳/۷۱				(۳) صمیمیت زناشویی
۱۵/۶۱	۱۰۷/۳				(۴) تعهد زناشویی

$P < .01^{**}$

نتایج جدول ۱ در کنار پرداختن به میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش به ماتریس همبستگی متغیرها می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد بین تعهد زناشویی با هوش اخلاقی ($P = 0/006$ و $r = 0/19$)، با هوش معنوی ($P = 0/004$ و $r = 0/24$) و صمیمیت زناشویی ($P = 0/001$ و $r = 0/41$) رابطه مثبت معنادار وجود دارد. همچنین بین صمیمیت زناشویی با هوش اخلاقی ($P = 0/002$ و $r = 0/30$) و هوش معنوی ($P = 0/003$ و $r = 0/27$) رابطه مثبت معنادار وجود دارد. با توجه به تأیید ارتباط معنادار بین متغیرهای پژوهش (هوش اخلاقی، هوش معنوی، صمیمیت زناشویی و تعهد زناشویی) با یکدیگر امکان بررسی نقش واسطه‌ای صمیمیت زناشویی در رابطه بین هوش اخلاقی و هوش معنوی با تعهد زناشویی فراهم است. در ادامه به منظور بررسی مدل پژوهش از مدل یابی معادلات ساختاری استفاده شد. نمودار ۱ مدل پژوهش بر اساس ضرایب استاندارد شده را نشان می‌دهد



شکل ۲: مسیرهای برازش یافته بر اساس ضرایب استاندارد

جدول ۳: شاخص‌های نیکویی برازش الگوی آزمون شده پژوهش

شاخص‌ها	شاخص‌های برازش مطلق	شاخص‌های برازش تطبیقی	شاخص‌های برازش مقتصد
	AGFI	CFI	RMSEA
مقادیر الگو	۰/۸۹	۰/۹۴	۰/۰۴
	GFI	NFI	CMIN/DF
	۰/۹۲	۰/۹۲	۲/۰۱

بررسی شاخص‌های برازش مدل در نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که تمامی شاخص‌های برازش به دست آمده از مطلوبیت بالایی برخوردارند. مطابق دیدگاه کلاین (۲۰۰۷) در خصوص مهمترین شاخص‌های مربوط به برازش مدل، نسبت χ^2/df کمتر از ۳، شاخص برازش تطبیقی (CFI) و شاخص نیکویی برازش (GFI) بزرگتر از ۰/۹۰ و ریشه میانگین مجذور خطا (RMSA) کمتر از ۰/۰۸ نشانگر برازش مطلوب است. لذا، شاخص‌های به دست آمده نشان می‌دهند که داده‌ها با مدل مفهومی مدنظر پژوهش برای روابط متغیرهای برازش دارد. در ادامه ضرایب نتایج تحلیل مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم مدل ارائه شده در جداول ۴ منعکس می‌شود.

جدول ۴: اثرات مستقیم، غیر مستقیم، کل و واریانس تبیین شده متغیرها

مسیرها	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	واریانس تبیین شده
هوش اخلاقی ← صمیمیت زناشویی	۰/۲۸**	-	۰/۲۸**	۰/۱۶
هوش معنوی ← صمیمیت زناشویی	۰/۳۴**	-	۰/۳۴**	
هوش اخلاقی ← تعهد زناشویی	۰/۱۸**	۰/۱۱*	۰/۲۹**	۰/۳۲
هوش معنوی ← تعهد زناشویی	۰/۲۳**	۰/۱۳*	۰/۳۶**	
صمیمیت زناشویی ← تعهد زناشویی	۰/۳۹**	-	۰/۳۹**	

$P < 0.01$ ** $P < 0.05$ *

بر اساس مسیرهای آزمون شده در مدل و نتایج جدول ۴ مشاهده می‌شود اثر مستقیم هوش اخلاقی بر صمیمیت زناشویی $\beta = 0.28$ ، $C.R = 4.182$ و $P < 0.01$ و هوش معنوی بر صمیمیت زناشویی $C.R = \beta = 0.34$ ، $P < 0.01$ و مثبت معنادار است و این دومتغیر قادر هستند ۱۶ درصد از واریانس صمیمیت زناشویی را تبیین کند. همچنین، نتایج نشان داد که اثر مستقیم هوش اخلاقی بر تعهد زناشویی $C.R = \beta = 0.18$ ، $P < 0.01$ و هوش معنوی بر تعهد زناشویی $C.R = \beta = 0.23$ ، $P < 0.01$ و صمیمیت زناشویی بر تعهد زناشویی $C.R = \beta = 0.39$ ، $P < 0.01$ و مثبت معنادار است و این سه متغیر در مجموع توانایی تبیین ۳۲ درصد از واریانس تعهد زناشویی را دارند. همچنین، نتایج نشان داد که صمیمیت زناشویی در رابطه بین هوش اخلاقی و تعهد زناشویی $\beta = 0.11$ و $P < 0.05$ و در رابطه بین هوش معنوی و تعهد زناشویی $\beta = 0.13$ و $P < 0.05$ نقش واسطه‌ای دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش واسطه‌ای صمیمیت زناشویی در رابطه بین هوش اخلاقی و هوش معنوی با تعهد زناشویی در بین زنان متأهل انجام شد. نتایج بررسی نشان داد که بین هوش اخلاقی و تعهد زناشویی رابطه مثبت معناداری وجود دارد و هوش اخلاقی بر تعهد زناشویی اثر مثبت مستقیم دارد. نتایج این بخش از پژوهش با نتایج گل محمدیان (۱۳۹۵)، هوک و همکاران (۲۰۱۵) و کاتو (۲۰۱۶) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان بیان داشت زمانیکه افراد متأهل در تعاملات روزمره خود مفاهیم و اصول اخلاقی را در نظر می‌گیرند و به عنوان ملاکی در روابط خود به آن رجوع کرده و سعی در کسب رضایت همسر خود دارند، این احتمال وجود دارد که تعهد بالاتری برای حل مشکلات بین فردی خود داشته باشند. در واقع مطابق مطالعه لامبرت و دولاهیت (۲۰۰۸) زنانی که از هوش اخلاقی بالایی برخوردار هستند در زندگی زناشویی خود درستکاری، بخشش، مسئولیت و دلسوزی بیشتر را نشان می‌دهند که این عوامل باعث افزایش تعهد زناشویی آنان می‌شود. همچنین، مطابق دیدگاه برون (۲۰۱۳) واضح است که پیروی از اصول اخلاقی چون خودکنترلی، توجه، احترام، مهربانی، انصاف و صبر اثرهای قابل توجهی بر رابطه‌های بین فردی به ویژه رابطه بین همسران دارد. از سوی دیگر، از آنجا که هوش اخلاقی از بروز بسیاری از ناهنجاری‌های فردی جلوگیری می‌کند، وجود اصول اخلاقی که افراد را در چهارچوب قوانین زوجی

متعهد کند، رابطه‌ای مستحکم ایجاد می‌کند. به معنای دیگر، افرادی که دارای هوش اخلاقی بالایی هستند، می‌توانند در مواجهه با رویدادها و مسئله‌های زناشویی با استفاده از راهبردهای مناسب برای مقابله با مشکلات به پایداری و افزایش کیفیت زندگی زناشویی خود کمک کنند. در بخش دیگر نتایج نشان داد که بین هوش معنوی و تعهد زناشویی رابطه مثبت معناداری وجود دارد و هوش معنوی بر تعهد زناشویی اثر مثبت مستقیم دارد. نتایج این بخش از پژوهش با نتایج مطالعات کرایکامپ (۲۰۰۲) و لیچر و کارمال (۲۰۰۹) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که زندگی افراد در فرهنگ ایرانی - اسلامی موجب در هم تنیدگی باورهای معنوی با زندگی آنها شده است. به گونه‌ای که دور ماندن از این باورها و عقاید معنوی سبب خواهد شد که فرد دچار کشمکش‌های درونی، احساس پوچی، یاس، بی‌هدفی، نارضایتی و ناامیدی بیشتر در برابر بحران‌های زندگی از قبیل مشکلات و تعارضات زناشویی شود و نتواند محرومیت‌ها و ناملایمات را تحمل کند و در نتیجه رضایت آنها از زندگی زناشویی کاهش یابد. اما در مقابل، مطابق با دیدگاه الکنس (۲۰۰۴) و یانکر و همکاران (۲۰۱۲) افراد برخوردار از هوش معنوی با آرامش بیشتری به مشکلات زندگی نگاه کند و سختی‌های زندگی را بهتر تحمل می‌کنند و در نتیجه در زندگی زوجی خود پیامدهای روانشناختی مثبت بیشتری را دریافت می‌کنند. همچنین، امرام (۲۰۰۷) مطرح می‌کند که افراد با هوش معنوی بالا با انعطاف‌پذیری در رفتار، خودآگاهی بالا و بینش عمیق نسبت به زندگی این توانایی را دارند که بدون آسیب‌زدن به خود، همسر و رابطه زناشویی با همسر خود ارتباط عمیق‌تری برقرار سازند و با هدفدار نمودن زندگی زناشویی خود در درازمدت سازگاری بالایی با همسر خود داشته باشند و در نهایت نسبت به رابطه‌ی خود بیشتر متعهد باشند.

در بخش دیگر، نتایج بررسی نشان داد که صمیمیت زناشویی در رابطه بین هوش معنوی و هوش اخلاقی با تعهد زناشویی نقش واسطه‌ای دارد. نتایج این بخش از پژوهش با نتایج پلاگ (۲۰۰۸)، بیوردت و همکاران (۲۰۰۷) و هوک و همکاران (۲۰۱۵) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان بیان داشت که معنویت و ارزش‌های اخلاقی در زندگی همسران باعث می‌شود حس نزدیکی، اشتیاق و علاقه شدید که سه ویژگی از صمیمیت زناشویی هستند تبدیل به یک مانع قوی در برابر نگرش افراد به خیانت زناشویی شوند، زیرا وقتی از صمیمیت زناشویی بالایی همسران صحبت می‌شود در واقع این باور وجود دارد که آنها اولاً معنویت و اخلاقیات را در زندگی اولویت می‌دهند و به یکدیگر متعهد هستند و ثانیاً فرض بر این است که زوجین صمیمی اشتیاق و علاقه شدیدی به یکدیگر دارند (هاتفیلد و همکاران، ۲۰۱۴). در کنار موارد مطرح شده، بر اساس مطالعه تانگیوچی و همکاران (۲۰۰۶) می‌توان مطرح کرد که عدم توجه به مسائل معنوی و اصول اخلاقی سبب می‌شود که به مرور زمان صمیمیت بین همسران کاهش یابد و در نتیجه افزایش تعارضات، کاهش رضایت زناشویی و بروز مشکلات عاطفی و روانی در بین همسران شکل گیرد که این مسئله می‌تواند کاهش تعهد زناشویی را به دنبال داشته باشد. در کنار موارد مطرح شده، در تبیین این یافته می‌توان مطرح کرد که هوش اخلاقی و هوش معنوی می‌توانند با ایجاد ارزش‌های مثبت در زندگی به ارتقای صمیمیت زناشویی کمک کنند، و مطابق با مطالعه نازاری و همکاران (۲۰۱۱) که عنوان می‌کنند یک زندگی متعهد و پایدار مستلزم وجود صمیمیت بین همسران است، می‌توان انتظار داشت که هوش اخلاقی و معنوی از طریق افزایش صمیمیت بین همسران منتج به افزایش تعهد زناشویی شوند. زیرا وجود صمیمیت بین همسران باعث می‌شود که آنها با هم‌آوایی، تصمیم‌گیری مشترک و روابط گشوده‌قابلیت‌ها و ظرفیت‌های منتج از هوش اخلاق و هوش معنوی را در مواجهه با مشکلات و تغییرات مربوط به زندگی زناشویی خود بکار گیرند و در نتیجه پایداری و ثبات بیشتری را در رابطه زناشویی تجربه کنند. همچنین، مطابق با مطالعه تنهویتن (۲۰۰۷) می‌توان بیان داشت که اگر در روابط بین همسران صمیمیت از بین برود ارزش‌های از قبیل پذیرش، احترام، صبر، انتقادپذیری، قدردانی و مسئولیت‌پذیری که از مولفه‌های مرتبط با هوش اخلاقی و هوش معنوی هستند از بین خواهند رفت و در نتیجه نمی‌توان انتظار یک رابطه زناشویی پایدار را داشت. از سوی دیگر، وجود صمیمیت در رابطه، باعث شکل‌گیری اعتماد و اطمینان می‌شود و کارکرد بهنجار رابطه زناشویی را در پی خواهد داشت، زیرا صمیمیت بین همسران موجبات توجه به خواسته‌های همسر، صرف‌وقت و توجه بالا را فراهم می‌سازد که این عوامل در تعهد زناشویی بالا نقش بسزایی دارند.

در نهایت اینکه، هر پژوهشی دارای محدودیت است و در خصوص پژوهش حاضر می‌توان بیان داشت که تفاوت‌های فردی آزمودنی‌ها مانند تفاوت در انگیزه و علاقه به موضوع می‌تواند نتایج این پژوهش را با محدودیت روبرو کند. همچنین، این پژوهش صرفاً بر روی زنان مراجعه‌کننده به فرهنگسرای خاوران واقع در شرق شهر تهران انجام شده است که تعمیم نتایج باید با احتیاط صورت گیرد. لذا پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های با نمونه‌های دیگر و با در نظر گرفتن متغیرهای مانند جنس متفاوت، سطح اجتماعی - اقتصادی متفاوت و محل سکونت متفاوت انجام گیرد. در کنار موارد مطرح شده، پیشنهاد می‌شود که با استفاده از رویکردهای کیفی عوامل اثرگذار بر صمیمیت تعهد زناشویی مورد بررسی بیشتری قرار گیرد. در آخر، بر اساس نتایج پژوهش با توجه به اثر مثبت و نقش واسطه‌ای مهم صمیمیت

زناشویی بر روی تعهد زناشویی پیشنهاد می‌شود که مشاوران و روانشناسان حوزه خانواده با تدوین محتوا و دروه‌های آموزشی در زمینه ارتقای صمیمیت زناشویی برای همسران به حفظ ثبات و پایداری رابطه زناشویی کمک نمایند.

منابع

- اعتمادی، عذرا، نوایی‌نژاد، شکوه، احمدی، سیداحمد، و فرزاد، ولی‌الله. (۱۳۸۵). بررسی تأثیر زوج درمانی به شیوه ایماگوتراپی بر افزایش صمیمیت زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره در شهر اصفهان. *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، ۵(۱۹)، ۹-۲.
- آراسته، حمیدرضا، و جاهد، حسینعلی. (۱۳۹۰). رعایت اخلاق در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی: گزینه‌ای برای بهبود رفتارها. *مجله نشاء علم*، ۱(۲)، ۳۱-۴۰.
- حریری، ن.، و زرین‌آبادی، ز. (۱۳۹۰). تحلیل جمعیت‌شناختی هوش معنوی کتابداران دانشگاه‌های دولتی شهر اصفهان. *پژوهش‌نامه کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۱(۲)، ۲۹-۴۴.
- خانیکی، هادی، و تبریزی، منصوره. (۱۳۸۸). رضایت از زندگی زناشویی در رهگذر نگرش و کنش اخلاقی (نتایج یک مطالعه کیفی). *فصلنامه علوم اجتماعی*، ۴۶، ۱۸۷-۲۲۸.
- سازمان ثبت احوال ایران. (۱۳۹۸). آمار ازدواج و طلاق در ۳ ماهه نخست سال ۱۳۹۸. <http://www.sabteahval.ir>
- سعیدپور، فریبا، اصغری، فرهاد، و صیادی، علی. (۱۳۹۷). هم‌سنجی اثربخشی رویکرد خانواده درمانی بوئن و مدل مک‌مستر بر بی‌آلایشی، تنظیم‌شناتی هیجان و کارکرد خانواده در زوجین درخواست‌کننده طلاق. *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۸(۲۶)، ۱۹۱-۲۱۴.
- قنبری هاشم‌آبادی، بهرام‌علی، حاتمی‌ورزنده، ابوالفضل، اسمعیلی، معصومه، و فرحبخش، کیومرث. (۱۳۹۰). رابطه میان سبک‌های فرزندپروری، دلبستگی و تعهد زناشویی در زنان متأهل. *فصلنامه علمی پژوهشی زن و جامعه*، ۷(۲)، ۶۰-۳۹.
- گل‌محمدیان، محسن. (۱۳۹۵). تأثیرات هوش اخلاقی و معنوی و فرهنگی بر عملکرد خانوادگی زنان. *فصلنامه فرهنگی و تربیتی زنان و خانواده*، ۱۰(۳۴)، ۴۰-۶۰.
- محمدی، بهناز، حیدرنیا، احمد، و عباسی، هادی. (۱۳۹۵). پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس صمیمیت زناشویی و بخشودگی. *مجله رویش روانشناسی*، ۳(۳)، ۳۱-۵۰.
- Adams, J., & Jones, W. H. (1997). The conceptualization of marital commitment: An integrative analysis. *Journal of personality and social psychology*, 72(5), 1177-1196.
- Amram, Y. (2007). *The Seven Dimensions of Spiritual Intelligence: An Ecumenical Grounded Theory*. Paper Presented at the 115th Annual (August 2007) Conference of the American Psychological Association, San Francisco, CA.
- Brown, R. C. (2013). Moral responsibility for (UN) healthy behavior. *Journal of Medical Ethics*, 39, 695-698.
- Burdette, A.M., Ellison, C.G., & Sherkat, D.E. (2007). Are There Religious Variations in Marital Infidelity? *Journal of Family Issues*, 28(12), 1553-1581.
- Chung, M. (2014). Research on the treatment of couple distress. *Journal of Marital and Family therapy*, 38, 145-168.
- Ehrenberg, M. F., Robertson, M., & Pringle, J. (2012). Attachment style and marital commitment in the context of remarriage. *Journal of Divorce & Remarriage*, 53(3), 204-219.
- Elkins, M. R. (2004). Developing a plan for pediatric spiritual care. *Holistic Nursing Practice*, 18(4), 179-186.
- Fincham, F. D., Beach, S. R., & Davila, J. (2007). Longitudinal relations between forgiveness and conflict resolution in marriage. *Journal of family Psychology*, 21(3), 542-545.
- Gordon, K. C., Hughes, F. M., Tomick, N. D., Dixon, L. J., & Litzinger, S. C. (2009). Widening spheres of impact: the role of forgiveness in marital and family functioning. *Journal of family Psychology*, 23(1), 1-13.
- Hatfield, E. C., Bensman, L., Thornton, P. D. & Rapson, R. L. (2014). New perspectives on emotional contagion: A review of classic and recent research on facial mimicry and contagion. *Interpersonal: An International Journal on Personal Relationships*, 8(2), 159-179.
- Hoock, M., Davice, T., & Griffin, K. (2015). Intimacy, Differentiation and Morality as Predictors of Marital Satisfaction. *The Family Journal*, 15, 359-367.
- Hui, S.A., Lindsey, C.R., & Elliott, T.R. (2007). Church attendance and marital commitment beliefs of undergraduate women. *Journal of Applied Psychology*, 37, 501-514.
- John, N. A., Seme, A., Roro, M. A., & Tsui, A. O. (2017). Understanding the meaning of marital relationship quality among couples in peri-urban Ethiopia. *Culture, health & sexuality*, 19(2), 267-278.
- Kato, T. (2016). Effects of partner forgiveness on romantic break up in dating relationship: A longitudinal study. *PAID*, 95, 185-189.
- King, D. B, Decicco T., L. (2009). A viable model and self-report measure of spiritual Intelligence. *The International Journal of Transpersonal Studies*, 28, 68-85.
- Klein, R. B. (2011). *Principals and practice of structural equation modeling*. New York, NY: Guilford.
- Kraaykamp, G (2002). Trends and Countertrends in Sexual Permissiveness: Three Decades of Attitude Change in the Netherlands 1965-1995. *Journal of Marriage and Family*, 64(1), 225-239.

The Relationship Between Moral Intelligence and Spiritual Intelligence with Marital Commitment in ...

- Lambert, N. M., & Dollahite, D. C. (2008). The threefold cord marital commitment in religious couples. . *Journal of family Issues*, 29(5), 592- 614.
- Lavner, A. J., Karney, R. B., & Breadbury, N. T. (2016). Does couples communication predict marital satisfaction or does marital satisfaction predict communication? *Journal of Marriage and Family*, 3(78), 680- 694.
- Lennick, D., & Kiel, F. (2005). *Linking strong moral principles to business success*. Pennsylvania, Wharton school of the University of Pennsylvania.
- Lennick, D., & Kiel, F. (2011). *Enhancing business performance and leadership success in turbulent times*. Person Education, Inc. prentice hall. Ibsen.
- Lichter, D., & Carmalt, J. (2009). Religion and marital quality among low income couples. *Social science research*, 38(1), 168- 187.
- Macher, S. (2013). Social interdependence in close relationships: The actor partner interdependence–investment model (API-IM). *European Journal of Social Psychology*, 43, 84-96.
- Masters, A. (2008). Marriage, commitment and divorce in a matching model with differential aging. *Review of Economic Dynamics*, 11, 614–628.
- Nazari, B., Fonseca, A., Gamaro, S., Canavarro, M., & Dattilio, F. (2011). Amniocentesis due to advanced maternal age: The role of marital intimacy in couple's decision making process. *Contemporary family therapy*, 33, 128-142.
- Pelage, M. (2008). The relationship between differentiation of self and marital satisfaction: What can be learn from married couple over the course of life? *The Journal of Family Therapy*, 36, 388-401.
- Sevgn, B. (2011). *Roles of attachment styles on personality traits and anger on relationship and life satisfaction: mediator roles of humor, intimacy and psychological problems*. School of Social Sciences. Middle East technical university.
- Tang, C. Y., & Curran, M. A. (2013). Marital commitment and perceptions of fairness in household chores. *Journal of Family Issues*, 34(12), 1598-1622.
- Taniguchi, S. T., Freeman, P. A., Taylor, S., & Malcarne, B. (2006). A study of married couple's perception of marital satisfaction in outdoor recreation. *Journal of Experiential Education*, 28, 253-256.
- TenHouten, D. W. (2007). *A General Theory of Emotions and Social Life*. 1st edition, New York, NY: Rutledge.
- Walker, A. J., & Thompson, L. (1983). Intimacy and intergenerational aid and contact among mothers and daughters. *Journal of Marriage and Family*, 45,841-9.
- Waring, E. M. (2013). *Enhancing Marital Intimacy through Facilitating Cognitive Self Disclosure*. New York, NY: Rutledge.
- Yonker, J. E., Schnabelrauch, C. H. A., & Dehaan, L. G. (2012). The relationship between spirituality and religiosity on psychological outcomes in adolescents and emerging adults: A meta analytic review. *Journal of Adolescence*, 35, 299-314.